

شاخص‌های نقد سیاسی - اجتماعی از منظر اخلاق اسلامی

سیدمحمسن بهروزنژاد/ دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی @mohsenbehrooznejad@gmail.com
 کج هادی حسینخانی/ استادیار گروه اخلاق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
 مهدی امیدوی نقلیری/ دانشیار گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
 دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۰ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۳۰

چکیده

با وجود همه فواید نقد، که مهم‌ترین آنها از منظر اخلاق اسلامی، ایجاد زمینه اصلاح و رشد فردی و اجتماعی است، فضای سیاسی کشور و فعالیت‌های فعالان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، چهره‌های معروف و سایر بازیگران عرصه سیاست، تفاوت محسوسی با نقطه مطلوب از نظر اخلاق اسلامی دارد. حفظ حدود اخلاقی، در کنار نقد و انتقادگری در عرصه مسائل سیاسی - اجتماعی، در گرو شناخت کافی نسبت به آموزه‌های دینی و شاخص‌های اخلاقی در عرصه نقد سیاسی - اجتماعی است. هدف این مقاله، توصیف شاخص‌های اخلاقی برای آشنایی فعالان نقد با این شاخص‌ها و در نتیجه، رشد فرهنگ نقد در پرتو اخلاق‌مداری است. این تحقیق، با روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته و اطلاعات آن، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است. نتایج به‌دست آمده حاکی از این است که شاخص‌های عام اخلاقی نقد سیاسی - اجتماعی عبارت است از: اخلاص، مهار احساسات و تمایلات، حق‌محوری، انصاف، دین‌محوری و ارزش‌گرایی اسلامی، خیرخواهی، عدالت‌طلبی، رعایت وفاق و اعتماد اجتماعی، تعاون و همیاری، رعایت مصالح معنوی جامعه، ادای حقوق برادران دینی، قانون‌گرایی، عدم ملاحظه منافع شخصی، توجه به مواضع دشمن، نصیحت و مشارکت سیاسی، مصلحت‌سنجی و اولویت‌سنجی.

کلیدواژه‌ها: نقد سیاسی - اجتماعی، شاخص اخلاقی، اخلاق نقد، اخلاق سیاسی، اخلاق اجتماعی، اخلاق اسلامی.

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و بسیاری از نیازمندی‌های جسمی و روحی خود را در بستر زندگی اجتماعی پاسخ می‌دهد. رابطه اجتماعی انسان، با توجه به مخاطبان او، از جنبه‌های مختلفی تفاوت می‌یابد. او در بخشی از روابط اجتماعی خود، با صاحبان قدرت (مسئولان) به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم، در ارتباط است. همچنین، برخی مسائل و معضلات اجتماعی، که بخشی از آنها ناشی از عمل کرد نامناسب مسئولان است، جامعه را دچار مشکل می‌کند و افراد جامعه در پی حل آن برمی‌آیند. در این مواقع، به طور معمول انسان با سه وضعیت روبه‌رو است: وضعیت موجود، وضعیت مطلوب و گذار از وضع موجود به وضع مطلوب. از این‌رو، در مواجهه با امری نامطلوب، به دنبال تغییر و رفع آن برمی‌آید. برای این تغییر، اقدامات متنوعی قابل اجراست که به صورت یک طیف گسترده، از اقدامات مسالمت‌آمیز تا اقدامات سخت و براندازانه قابل تصور است. به نظر می‌رسد، عرصه نقد اولین بخش از این طیف و نزدیک‌ترین حالت مسالمت‌آمیز برای تغییر امور نامطلوب است.

جلوگیری از بروز نابسامانی در جامعه، رشد و تعالی فرد و جامعه، تشخیص صدق و کذب مدعیان نقدپذیری، انجام درست فریضه امر به معروف و نهی از منکر در قالب نقد، بسترسازی برای مشارکت سیاسی مردم در نظام اسلامی و حفظ سرمایه اجتماعی، فراهم نمودن زمینه تضارب آراء و رشد علوم انسانی اسلامی، و در نهایت حرکت به سمت تمدن اسلامی، همگی بیانگر ضرورت شناخت شاخص‌های نقد سیاسی - اجتماعی است.

اگر نقد سیاسی - اجتماعی، با رعایت ضوابط و شاخص‌های اخلاق اسلامی انجام نگیرد، خود تبدیل به معضل جدیدی در جامعه اسلامی خواهد شد؛ چراکه از جهتی به اسم نقد و اصلاح وارد شده، و از جهتی موجب فاسد نمودن جامعه شده و در واقع، موجب فرصت‌سوزی در عرصه نقد خواهد شد.

این تحقیق، که به روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته، به دنبال ارائه شاخص‌های عام اخلاقی است؛ شاخص‌هایی که شامل مراحل سه‌گانه پیش، حین و پس از نقد می‌شوند. از این‌رو، پرسش اصلی این است که شاخص‌های عام نقد سیاسی - اجتماعی از منظر اخلاق اسلامی کدامند؟

با نظر به آثار تدوین شده در ارتباط با موضوع نقد سیاسی - اجتماعی، می‌توان آنها را در سه دسته کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات دسته‌بندی کرد.

کتاب *هیچکس کامل نیست*، تألیف *هندری ویزینگر*، از منظر روان‌شناسی به بحث انتقاد و انتقادپذیری پرداخته است. بخش قابل توجهی از این کتاب، مربوط به نقدهای محدود به روابط شخصی است. کتاب *اخلاق نقد* تألیف *سید حسن اسلامی*، در نه فصل به کلیات اخلاق نقد و نه خصوص نقد سیاسی - اجتماعی می‌پردازد. کتاب *انتقاد و انتقادپذیری* نیز از نامبرده، در دوازده بخش به بیان نکاتی پیرامون رفتار ناقد و نقد شونده اختصاص دارد. این کتاب، که توجه ویژه‌ای به دیدگاه حضرت امام علیه السلام در زمینه انتقاد دارد، رویکرد اخلاقی را نیز مد نظر داشته است. کتاب *انتقاد حق انسان*، تألیف *سیدحمید فتاحی*، در هفت فصل به مسئله نقد می‌پردازد. در این اثر، توجه مؤلف بیش‌تر به نقد در روابط شخصی است.

پایان‌نامه **اخلاق نقد در نهج البلاغه** تألیف سارا عربشاهی، با بررسی کتاب شریف نهج البلاغه، به اصول اخلاق نقد پرداخته است. پایان‌نامه **اخلاق نقد از منظر قرآن و روایات** اثر مهدی شاه ولی‌انار، با توجه به اینکه نقد یکی از پدیده‌های اجتماعی است که در فرهنگ اسلامی به رسمیت شناخته شده است، به اهمیت نقد اشاره می‌کند. ایشان به بررسی اصول اخلاقی نقد در قرآن کریم و روایات می‌پردازد. پایان‌نامه **الگوی نقد نظام سیاسی در سیره امیرالمؤمنین**، اثر مصطفی حاجی حسینیلو، اشاره می‌کند که مسئله نقد نظام سیاسی در جامعه اسلامی، به‌عنوان موتور محرک اصلاح دستگاه سیاسی و معیار پویایی سیاسی و اجتماعی اقشار مختلف جامعه اسلامی و یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مورد توجه در اندیشه سیاسی و نظام حکومتی اسلام است. فصل سوم پایان‌نامه **شاخص‌های آزادی سیاسی در الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی** تألیف عبدالله نظری، با عنوان «شاخص‌های آزادی در حوزه ساختار»، ذیل بخش «مشروعیت انتقاد و نظارت»، به پاره‌ای از مباحث نقد و انتقاد پرداخته است.

مقاله «نقد، اقتضائات و اخلاق» نوشته اسماعیل قدیمی، با اشاره به سیر تحول و انواع گوناگون نقد، به صورت ویژه به بحث «نقد علمی» می‌پردازد. مقاله «نقد و اخلاق نقد از دیدگاه علامه طباطبایی»، تألیف محمدجواد رضایی و زهرا علیزاده، پس از بیان نظر مرحوم علامه در مورد مفهوم و جایگاه نقد، به نحوه عملکرد ایشان در زمینه نقد و نقدپذیری می‌پردازد. در این مقاله، عنوان می‌شود که می‌توان علامه طباطبایی را یکی از الگوهای اخلاقی و علمی در دو مقام ناقد و مورد نقد تلقی کرد و سیرت و سیره او را به جامعه امروز شناساند. همچنین، مقاله «اخلاق نقد و آزاداندیشی از منظر علامه طباطبایی با تأکید بر مقدمه تفسیر المیزان»، که توسط اکبر ساجدی به رشته تحریر درآمده، به این مطلب اشاره دارد که سرلوحه اخلاقیاتی، که در آثار علامه نمود دارد، آزاداندیشی است و اخلاقیاتی نظیر حقیقت‌گرایی، شجاعت نقد، دقت نظر، احاطه علمی، روشنگری، ادب و متانت، تبیین دقیق مبانی و لوازم، دقت در تفکیک علوم، استقبال از نقد دیگران و تواضع علمی، از شاخصه‌های اخلاقی علامه در حوزه نقد آثار و آراست. مقاله «اخلاق انتخابات»، تألیف محمدتقی اسلامی، پس از بیان کلیات بحث، با تعریف دقیق مسئله اخلاقی در فرایند انتخابات و معرفی همه عناصر و ارکان دخیل در این فرایند، ابتدا فهرستی از مسائل و معضلات واقعی اخلاقی در این عرصه را ارائه می‌کند. سپس، با تبیین زمینه‌ها و بسترهای بروز هر یک از آن آسیب‌ها، شیوه برون‌رفت از آنها را نشان می‌دهد. مؤلف در بخش پایانی مقاله، به بیان چهارده اصل اخلاقی حاکم بر انتخابات، از جمله نقدپذیری می‌پردازد.

با وجود پیشینه مذکور، این مقاله با آثار پیش گفته از جهت تمرکز بر شاخص‌های نقد سیاسی - اجتماعی و عدم محدودیت به کتاب یا شخصیتی خاص متفاوت است و همین نکته به جنبه نوآوری آن اشاره دارد.

شاخص‌های عام اخلاقی در حوزه نقد سیاسی - اجتماعی

مراد از شاخص‌های عام، آموری است که بیانگر اخلاقی یا ضد اخلاقی بودن نقدهای سیاسی - اجتماعی هستند. این امور، در مراحل پیش، حین و پس از نقد وجود دارند که در ادامه، با توجه به منابع دینی، به مهم‌ترین این شاخص‌ها اشاره می‌شود.

اخلاص

یکی از شاخص‌های مهم در نقد سیاسی - اجتماعی از منظر اخلاق اسلامی، خلوص نیت ناقد است. این شاخص موجب جلوگیری از بسیاری از آسیب‌های نقد می‌گردد. مانند تهدیدها، تطمیع‌ها، تکبرها و غیره. همچنین از ویژگی‌های نظام اخلاقی اسلام این است که «نیت» را به‌عنوان اساس ارزش اخلاقی و منشأ خوبی‌ها و بدی‌ها معرفی می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۰۵). یکی از آسیب‌ها و آفت‌های جدی نیت، عدم اخلاص است. از عوامل مهم در مسیر تقرب الهی، که کمال‌نهایی انسان در اخلاق اسلامی شمرده می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۳۴۳)، مسئله عمل صالح است که با خلوص نیت حاصل می‌شود. ممکن است دو ناقد با اقداماتی کاملاً مشابه، ولی با دو نیت خالص و غیرخالص باشند که هر دو، تمام حدود فقهی و حقوقی را رعایت کنند و حتی موجب اصلاح نقدشونده و جامعه نیز گردند، ولی یکی به قرب الهی و دیگری به دوری از خداوند برسد. در صورت رعایت شاخص اخلاص و سایر شاخص‌های اخلاقی نقد سیاسی - اجتماعی، این امکان فراهم می‌شود که ناقد، نقدشونده و سایر افراد جامعه، همگی در مسیر قرب الهی گام بردارند و هیچ یک بازنده میدان نقد نباشند. از این‌رو، انسان مسلمان باید در فرایند نقد، نیت خود را خالص کند.

اقدامات حضرت امام حسین علیه السلام در نهضت اصلاح‌گر ایشان، بیانگر هدف خالصانه آن حضرت در قیام خود است که این اخلاص در هدف، به اخلاص در عمل نیز منجر می‌گردد. حضرت در وصیت‌نامه خود به برادرشان می‌نویسند:

... به نام خداوند بخشنده بخشایشگر به راستی که این وصیت‌نامه‌ای است که حسین بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام برای برادرش محمد، مشهور به ابن حنفیه، نوشته است: ... همانا من برای سرکشی و خودپسندی و تکبر و فساد کردن و ظلم نمودن خارج نشدم [قیام نکردم]. و به تحقیق که من برای اصلاح و درست کردن [کارها] در میان امت جدم قیام کردم و می‌خواهم به نیکی سفارش و از بدی نهی کنم و مطابق سیره جدم رسول خدا و پدرم علی بن ابی‌طالب علیه السلام رفتار می‌نمایم ... (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۴، ص ۳۲۹).

رعایت اخلاص، ابعاد مختلفی دارد که یکی از آنها، مربوط به احساسات و تمایلات است. ناقد نیز انسان است و ضعف‌ها و قوت‌هایی دارد. پس نمی‌توان از او انتظار داشت که یک‌سره انگیزه‌هایش را کنار بگذارد و یا آنها را انکار کند (اسلامی، ۱۳۹۶، ج ۵، ص ۸۶). او نیز مانند هر انسان دیگری، دارای احساسات و تمایلات

شخصی است. هنر ناقد باید این باشد که تا حدّ توان، احساسات شخصی خود را به گونه‌ای در نقد خود وارد نکند که از مسیر حق و اخلاص خارج شود.

گاهی منتقد، براساس حبّ و بغض شخصی و غیردینی به نقد می‌پردازد. از سوی دیگر، گاهی به دلیل ترس از اشخاص، یا به دلیل امتیازگیری از نقدشونده، دست از انتقاد می‌کشد. در همه این موارد و موارد مشابه دیگر، ناقد موفق به مهار احساسات و تمایلات خود نشده و در نتیجه، از مسیر اخلاص خارج می‌گردد.

هرگونه انگشت گذاشتن شخص نقدشونده بر انگیزه‌های ناقد، حرکتی برای فرار از نقد و تن ندادن به آن است، ولی خود ناقد بهتر از هر کسی از انگیزه‌هایش آگاه است. هرچند گاهی ناقد نیز از عمق انگیزه‌های خود باخبر نیست و ناخودآگاه انگیزه اصلی را در پس انگیزه‌های دیگر پنهان می‌کند، با کمی خودکامی و صداقت، هر کسی محرک خویش و آنچه که وی را به نقد دیگران برانگیخته است، خواهد شناخت (همان، ص ۸۵).

در آیات شریفه نیز به مسئله آگاهی انسان نسبت به انگیزه‌هایش اشاره شده است: «بلکه انسان خود به وضع خویش بیناست * و هرچند [برای توجیه گناهانش] بهانه‌ها بتراشد» (قیامت: ۱۴ - ۱۵).

در هر یک از مراحل نقد، انگیزه‌های غیر الهی، می‌توانند ناقد را به بیراهه بکشانند. در مرحله جمع‌آوری اطلاعات (از مراحل پیش از نقد)، ممکن است ناقد به هتک حریم خصوصی نقدشونده، بر اساس تمایلات و حس کنجکاوی، اقدام کند. در مرحله حین نقد، ممکن است ادب را زیر پا بگذارد و نقدشونده را مورد توهین و تمسخر قرار دهد. در مرحله پس از نقد نیز ممکن است هدف اصلی از نقد، که اصلاح فرد و جامعه است را به انحراف کشانده و کار را به جدال و نزاع ختم کند.

حق محوری

هدف از انتقاد، بیان حق و کوشش برای شناخت واقع و تحقق حق؛ یعنی روشن کردن حقیقت و عدالت و تلاش برای پیاده شدن آن است. اما چنانچه اندک غفلتی پدید آید، انتقاد به حجابی بر سر راه شناخت حق تبدیل می‌گردد. غزالی معتقد بود که مناظره (همانند نقد که به دنبال حق جویی است)، در زمان خودش آفات فراوانی داشته و علت اقبال بسیاری از مردم به مناظره را نه حق جویی، بلکه قدرت‌نمایی و دنیاخواهی می‌دانست (اسلامی، ۱۳۹۶، ج ۵، ص ۹۷-۹۸). گاهی در روابط سیاسی، انتقاد و استیضاحی توسط یک نماینده مجلس، برای کسب امتیاز از وزیر، یا رئیس جمهور صورت می‌گیرد. وزیر یا رئیس جمهور نیز به نماینده مجلس برای انصراف از استیضاح امتیاز می‌دهد. در نتیجه، حقوق مردم پای مال و حق محوری نادیده گرفته می‌شود.

یکی از نمونه‌های رعایت حق محوری، در مواجهه حضرت موسی علیه السلام با فرعون تجلی کرده است:

و موسی گفت: ای فرعون، به یقین من پیامبری از جانب پروردگار عالم‌های آفریدگانم امر بر این تعلق گرفت که از سوی خدا جز راست (و حق) نگویم. اینک از پروردگارتان نشانه‌ای مایه تمیز حق از باطل برای شما آورده‌ام، بنابراین بنی اسرائیل را همراهم بفرست (اعراف، ۱۰۴ و ۱۰۵).

انصاف

انصاف را می‌توان به این قاعدهٔ عام اخلاقی مورد توافق همهٔ مکاتب اخلاقی تفسیر کرد که «هرچه را برای خود می‌پسندی، برای دیگران بپسند و هرچه را برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران مپسند». روشن است که اگر چنین قاعده‌ای به انضمام روحیهٔ تسلیم در برابر حقیقت، سرلوحهٔ اندیشه و رفتار منتقدان باشد، بسیاری از فضایل ایمنی‌بخش و انسجام‌آفرین انتقادی تضمین خواهد شد. به ویژه که کاربرد این قاعده، در مواردی که قوانین و ضوابط حقوقی ابهامات و نارسایی‌هایی دارند، راهنمای اندیشه و عمل ارکان مرتبط با انتقاد بوده، مانع از تعبیر و تفسیرهای خودخواهانه می‌گردد (اسلامی، ۱۳۹۶، ج ۴، ص ۴۲۰).

حضرت شعیب علیه السلام، آن پیامبر الهی، در دعوت قوم خود و نقد رفتار آنان، انصاف را در نظر داشته و اشاره به این مطلب می‌کند که آنچه را که برای شما نمی‌پسندم، برای خود نیز روا نمی‌دارم:

گفت: ای قوم من، چه اندیشید اگر من بر حجتی از پروردگار خود باشم و او مرا از خود رزقی نیکو ارزانی داشته باشد؟ و نمی‌خواهم پشت سر شما به آنچه شما را از آن بر حذر می‌دارم دست برم، من تصمیمی جز اصلاح به قدر امکانم ندارم و توفیق من جز از خدا نیست، بر او توکل کردم و به سوی او روی می‌نهم (هود: ۸۸).

با توجه به فراوانی روایات مربوط به انصاف، می‌توان گفت: در مورد لزوم رعایت انصاف، تواتر معنوی وجود دارد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۲۲۱-۲۶۴) که البته استفاده آنها برای بحث نقد سیاسی - اجتماعی، از باب تطبیق مصداق خاص برای عنوان عام است.

خیرخواهی

اگر مردم جامعه طالب حق باشند، می‌توانند بر محور دین و بر اساس تعاون بر برّ و تقوا، جامعه‌ای نازل‌تر از جامعه ایده‌آل اسلام را تحقق بخشند. در سایه تحقق چنین جامعه‌ای، میان اعضای جامعه، عاطفهٔ خاصی به وجود خواهد آمد. اعضای این جامعه، درک می‌کنند که تلاش همه اعضا برای یک هدف است و همه برای یکدیگر مفید هستند. این درک، عواطف و محبت را در میان ایشان برمی‌انگیزد و به همبستگی اجتماعی آنها استحکام می‌بخشد. این همان الفت و محبتی است که بین مؤمنان به وجود می‌آید و خداوند به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های خود از آن یاد کرده، اعطای این نعمت را بر مؤمنان منت نهاده و همواره به آنان یادآوری و توصیه می‌کند که قدر این نعمت را بدانند و برای دوام آن بکوشند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۱۰۴).

با توجه به اهمیت این نعمت الهی و در پرتو محبت الهی بین اعضای جامعه اسلامی، روحیهٔ نصیحت و خیرخواهی نسبت به یکدیگر شکل می‌گیرد. این روحیه در مواقع نقد و انتقاد، باید بیش از پیش مورد توجه و اهتمام قرار گیرد؛ چرا که اگر انتقاد بدون روحیه نصیحت و خیرخواهی باشد، منجر به تشمت و کفران عملی نعمت تألیف قلوب می‌شود.

همان‌گونه که حاکمان جامعه، باید خیرخواه مردم باشند، مردم نیز در برابر والیان و حاکمان خود، باید این‌گونه باشند. حضرت علی علیه السلام، یکی از حقوق حاکم بر مردم را خیرخواهی خالصانه در آشکار و نهان می‌داند: «ای مردم، مرا بر شما حقی است، و شما را بر من حقی... و اما حقی که من بر شما دارم وفا به بیعتی است که با من نموده‌اید، و خیرخواهی نسبت به من در حضور و غیاب، و اجابت دعوتم به وقتی که شما را بخوانم، و اطاعت از من چون دستوری صادر کنم» (انصاریان، ۱۳۸۸، ص ۳۳). قطعاً یکی از موارد خیرخواهی، انتقاد و بازداشتن حاکم و مسئولان جامعه اسلامی، از اشتباه و حرکت جامعه به سوی انحطاط است.

فلسفه نقد، پیش رفتن، اصلاح و به کمال رساندن است و لازمه تمام این‌ها، دل‌سوز و خیرخواه بودن است. اگر کسی بدون دل‌سوزی نسبت به رشد فرد یا جامعه‌ای، اقدام به لیست کردن عیب‌های موجود بکند. این کار را سیاه‌نمایی و تخریب و تضعیف به شمار می‌آورند (قدیمی، ۱۳۹۴، ص ۸۴-۸۵).

عدالت‌طلبی

یکی از شاخص‌های مسلم و یقینی در ارتباطات افراد جامعه اسلامی، شاخص رعایت عدالت است. نقد و انتقاد، به نوعی دارای جنبه ارزش‌گذاری و داوری است. از این‌رو، می‌توان برای رعایت عدالت به این آیه شریفه، که در رابطه با عدالت در داوری است، استناد نمود: «خدا قاطعانه به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بازگردانید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. یقیناً [فرمان بازگرداندن امانت و عدالت در داوری] نیکو چیزی است که خدا شما را به آن موعظه می‌کند؛ بی‌تردید خدا همواره شنوا و بیناست» (نساء: ۵۸).

حفظ وفاق و اعتماد اجتماعی

وحدت و همبستگی مردم مسلمان با هم، نعمت بزرگی است که در سایه اسلام و ایمان به خدا به وجود آمده و ارزش آن، از همه نعمت‌های مادی بیش‌تر است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۱۰۵). خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «و میان دل‌هایشان الفت و پیوند برقرار کرد که اگر همه آنچه را در روی زمین است، هزینه می‌کردی نمی‌توانستی میان دل‌هایشان الفت اندازی، ولی خدا میان آنان ایجاد الفت کرد؛ زیرا خدا توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است» (انفال: ۶۳).

بنابراین، نتیجه می‌گیریم که هسته همبستگی اجتماعی مسلمانان، دین است و هر آنچه که این محور را تهدید کند و همبستگی اسلامی را متزلزل سازد، ارزش منفی دارد و باید از آن دوری کرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۱۱۵). انتقاد سیاسی - اجتماعی نیز ذیل همین قانون باید محقق شود تا با محوریت دین، وفاق و اعتماد اجتماعی مسلمین، تحت الشعاع بازی‌های سیاسی قرار نگیرد، یا اینکه اجتماع افراد جامعه پیرامون امور غیردینی منعقد نشود. حکمت کلی دستوراتی که در رابطه با رعایت وفاق و اعتماد اجتماعی وجود دارد، این است که هر اندازه روابط اعضای جامعه با هم دوستانه‌تر و صمیمی‌تر باشد و انس بیش‌تری با هم داشته باشند، به هم نزدیک‌تر خواهند بود و

اهداف زندگی اجتماعی آنان، بهتر تحقق پیدا می‌کند. پس باید از آنچه که موجب بدگمانی و بدبینی آنان به هم می‌شود و دوستی و صمیمیت و انس و الفت آنان را تضعیف می‌کند، جلوگیری کرد.

آیت‌الله جوادی آملی، در این خصوص می‌نویسند:

پرهیز از تفرقه، فتنه و فساد اجتماعی از مسائل بسیار مهم اسلام در بعد اخلاق اجتماعی به شمار می‌آید و تحقق آن آثار مثبتی چون آرامش، وحدت، محبت و پیشرفت مادی و معنوی برای افراد و جامعه را در بر دارد، از همین رو همواره مورد توجه و اهتمام رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام بوده است و آن بزرگواران پیوسته مردم را به این امر مهم تشویق کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۴۵۲).

البته وقتی با واقع‌بینی به جامعه بنگریم، به این نتیجه رهنمون می‌شویم که اعضای جامعه اسلامی نیز معصوم نیستند و خواه و ناخواه، لغزش‌ها، اشتباهات و نقص‌هایی در کار و زندگی‌شان وجود دارد. با این حال، اگر بنا باشد هر کسی خودسرانه خطاهای دیگران را پی‌گیری و کشف کند و به اسم نقد و انتقاد، آنها را به رخس بکشد، یا به دیگران بگوید، هیچ اعتمادی بین افراد جامعه باقی نمی‌ماند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۲۰۸-۲۰۹).

شهید مطهری، در خصوص رفتار امیر مؤمنان علیه‌السلام پس از غصب حق خلافت ایشان می‌نویسد:

طبعاً هر کس می‌خواهد بداند آنچه علی در باره آن می‌اندیشید، آنچه علی نمی‌خواست آسیب ببیند، آنچه علی آن اندازه برایش اهمیت قائل بود که چنان رنج جانکاه را تحمل کرد چه بود؟ حدساً باید گفت آن چیز وحدت صفوف مسلمین و راه نیافتن تفرقه در آن است. مسلمین قوت و قدرت خود را که تازه داشتند به جهان‌یان نشان می‌دادند، مدیون وحدت صفوف و اتفاق کلمه خود بودند. موفقیت‌های محیرالعقول خود را در سال‌های بعد نیز از برکت همین وحدت کلمه کسب کردند. علی القاعده علی به خاطر همین مصلحت، سکوت و مدارا کرد (مطهری، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۴۸۷).

توجه به این نکته ضروری است که شاخص رعایت وفاق و اعتماد اجتماعی، تا جایی اهمیت دارد که مقدمه‌ای برای صلاح و اصلاح جامعه باشد و اگر منجر به زیر پا گذاشتن حق و انحراف جامعه گردد، دارای ارزش منفی خواهد بود. همانگونه که امام حسین علیه‌السلام در مقابل اجماع عده زیادی بر خلافت یزید و بیعت با او، در مقابل این مسئله سکوت نکردند، به گونه‌ای که دستگاه تبلیغاتی طاغوتی بنی‌امیه، یکی از توجیهاات برای مقابله با حضرت را خروج ایشان بر خلیفه وقت و ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی عنوان می‌کرد! حضرت در نامه خود، به کوفیان پس از استقرار در سرزمین کربلا، این‌گونه می‌نویسند:

... به راستی می‌دانید که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در زمان زندگی خود فرمود: کسی که حاکم ستمکاری را که حرام خدا را حلال بداند، عهد و پیمان خدا را بشکند، مخالف سنت رسول خدا باشد، در میان مردم با گناه و عدوان رفتار نماید، ببیند. اما گفتار و رفتار خود را تغییر ندهد خدا حق دارد که وی را هم در جایگاهی نظیر جایگاه او داخل کند. شما می‌دانید این گروه پیوسته در اطاعت شیطان هستند و از طاعت خدای رحمان روگردان شده‌اند، فتنه و فساد را ظاهر حدود و احکام خدا را تعطیل نموده‌اند و بهره‌جویی را از برای خود بر می‌گزینند و حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام کرده‌اند ... (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۴۴، ص ۸۱).

اجتناب از هتک حرمت

افراد جامعه اسلامی، باید ضمن نقد و انتقاد در موارد لازم، مراقب باشند که نقد آنها منجر به تعدی و هتک حرمت نشود. گاهی نشر بعضی از انتقادات ناصواب، مصداق تعاون بر گناه و دشمنی و تعدی خواهد بود. با توجه به گسترش ارتباطات تعاملات انسانی، در بستر فضای مجازی و رواج نقد و انتقاد از مسائل و مسئولان، دایره تعاون افراد بر نیکی یا گناه نیز بسیار گسترده‌تر شده است. مقام معظم رهبری، به انتقادگری همراه با توجه به همیاری مسلمانان اشاره نموده، می‌فرماید:

... هتک حرمت حرام است و انتقاد با هتک حرمت تفاوت دارد. ضمن اینکه امروز کشور بیش از هر زمان دیگری به همکاری و اتحاد و انسجام نیاز دارد ... من به طور صریح این را بگویم که انتقاد غیر از هتک حرمت است؛ هتک حرمت جایز نیست، نسبت به هر مسئولی. حالا بین آحاد مردم هم هتک حرمت حرام است و جایز نیست، [لکن] نسبت به مسئولین، بیشتر؛ به خصوص نسبت به مسئولین بالای کشور. ممکن است شما انتقاد داشته باشید، انتقاداتان هم وارد باشد، این کاملاً ممکن است، حق هم دارید انتقاد کنید، اما انتقاد کردن یک حرف است، اهانت کردن یک حرف است، هتک حرمت کردن یک حرف است؛ این نکته بسیار مهمی است، همه باید توجه کنند (۱۳۹۹/۸/۳).

قانون‌گرایی

یکی از مهم‌ترین ابزارهای کنترل قدرت و نظام جامعه، اجرای قانون است که در پرتو آن، حقوق اعضای جامعه استیفا می‌شود. نقد و انتقاد، به ویژه در عرصه سیاسی - اجتماعی، به‌عنوان یک اقدام اجتماعی و به‌عنوان یک اقدام مرتبط با حوزه قدرت و سیاست، از رعایت چارچوب قانون مستثنی نیست. به همین دلیل، برای توضیح این شاخص به یک ماده قانونی اشاره می‌شود:

ماده ۸ اصل برابری در مقابل قانون: همه اشخاص در مقابل قانون و مراجع دادگستری مساوی هستند. در راستای تضمین قانونی اصل برابری، رفتار برابر و یکسان با همه اشخاص در مراجع قضایی، شبه‌قضایی و اداری، شرط ضروری دادرسی عادلانه است. بدین منظور، همه افراد بدون تبعیض از هر حیث از قبیل جنسیت، نژاد، رنگ، زبان، دین، عقاید سیاسی و دیگر ویژگی‌ها از حق دادخواهی و دادرسی عادلانه برخوردارند (سند امنیت قضایی، مصوب ۱۳۹۹/۷/۱۶). با توجه به این ماده، از طرفی ناقد باید در نظر داشته باشد که او از هر طبقه‌ای که باشد، باید قانون را رعایت کند و او هم مانند نقدشونده در برابر قانون یکسان است. از سوی دیگر ناقد می‌تواند امیدوار باشد که اگر از مسئول یا شخص ذی‌نفوذ و صاحب منصبی نقد کند، نقدشونده نیز مانند همه افراد جامعه در برابر قانون تسلیم است. بنابراین، هیچ توجیهی برای زیر پا گذاشتن قانون توسط ناقد، وجود ندارد.

عدم ملاحظه منافع شخصی

این شاخص، که به نوعی جلوه‌ای از شاخص حق‌محوری است، دارای اهمیت و مستندات دینی فراوان است. خداوند متعالی، در آیه ۲۴ سوره مبارکه توبه می‌فرماید: «بگو: اگر پدرانان و فرزندانان و برادرانان و همسرانان و

خویشانتان و اموالی که فراهم آورده‌اید و تجارتي که از بی‌رونقی و کسادیش می‌ترسید و خانه‌هایی که به آنها دل خوش کرده‌اید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌ترند. پس منتظر بمانید تا خدا فرمان عذابش را بیاورد و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند».

رسول خدا ﷺ نیز در این رابطه می‌فرماید: «... هشدار! هرگز مبدا شخصی به خاطر ترس از مردم، حرف حقی را که می‌داند مطرح نکند. هشدار! قطعاً بافضیلت‌ترین جهاد گفتن کلام حق نزد سلطان جائز و ستم‌گر است ...» (متقی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۹۲۳).

منتقد در صورتی می‌تواند آزادانه نقد کند و در مسیر حق‌محوری گام بردارد که منافع شخصی خود را در نظر نگیرد. در صورت حق‌محوری صرف و چشم‌پوشی از تأثیر انتقاد بر منافع شخصی، گاه تشخیص ناقد این می‌شود که نقدی را وارد کند و گاه تشخیص او این می‌شود که نقدی را وارد نکند؛ یعنی حق‌محوری، نفیاً و اثباتاً بر نقد تأثیر دارد. سیرهٔ سیاسی امیر مؤمنان علی علیه السلام بیانگر همین مطلب است:

در شورای شش نفری که خلیفه دوم برای انتخاب خلیفه بعد مشخص کرده بود، پس از انتخاب عثمان توسط *عبد‌الرحمن بن عوف*، حضرت علی علیه السلام فرمودند: شما می‌دانید که من به حکومت از دیگران شایسته‌ترم، و به خدا قسم آن را رها می‌کنم تا وقتی که امور مسلمین سالم بماند و سستی در برنامهٔ امت جز بر من روی ندهد؛ رها می‌کنم به امید پاداش و فضل آن، و روی گردانی از زر و زیور دنیا که شما نسبت به آن دچار رقابت شده‌اید (انصاریان، ۱۳۸۸، ص ۵۱).

منتقد حرفه‌ای کسی است که منافع عمومی را بر منافع شخصی، گروهی، جناحی و خویشاوندی ترجیح می‌دهد. بنابراین، اخلاق علمی و حرفه‌ای، محدوده‌ای جز انصاف و عدالت و توجه به منافع عمومی و رعایت حقوق مسلم انسانی و اجتماعی ندارد. اخلاق حرفه‌ای در عین حال، هرگونه ملاحظات خویشاوندی، فکری، سازمانی و مبتنی بر منافع شخصی را مردود دانسته، تلاش برای ارتقای استانداردهای زندگی، بهبود مستمر و اصلاح رویه‌های جاری را هدف مجاز دانسته، برای رسیدن به آنها، جستجوی حقیقت، یک غایت قانونی اخلاق انسانی است (قدیمی، ۱۳۹۴، ص ۸۵-۸۶).

پرهیز از همسویی با دشمنان

با توجه به اینکه بخشی از مسائل مربوط به حوزه سیاست و قدرت، در ارتباط با مسائل بین‌المللی است، لازم است منتقد سیاسی - اجتماعی، نسبت به این مطلب نیز توجه داشته باشد. امیر مؤمنان علی علیه السلام در خطبه ۳۴ نهج البلاغه، یکی از وظایف مردم نسبت به حاکمیت را وفاداری به نظام اسلامی عنوان می‌کنند؛ از این رو، اگر نقد و انتقاد سیاسی - اجتماعی به گونه‌ای صورت گیرد که با وفاداری به نظام اسلامی در تضاد قرار گیرد، مطلوب نیست. شایسته است منتقد سیاسی - اجتماعی، بر اساس بصیرت، دوست و دشمن نظام اسلامی را بشناسد و در نقد خود، دوستان را امیدوار و دشمنان را ناامید گرداند.

البته، روح حقیقت‌جویی، همیشه در نقد جاری است و اگر ناقد به این نتیجه رسید که موضع دشمن بر حق است، حق را مانند گمشده خود درمی‌یابد و رعایت می‌کند، حتی اگر دشمنی او براساس موازین الهی، همچنان با دشمنش برقرار بماند.

مصلحت‌سنجی

در نظر گرفتن مصلحت جامعه اسلامی، از امور بسیار مهم و وظیفه هر مسلمان است. در صورت توجه به مصالح واقعی و تشخیص صحیح مصالح و مفاسد در جامعه اسلامی، محاسبات و اقدامات مردم و مسئولان، در راستای نیل به سعادت فرد و جامعه قرار خواهد گرفت. منتقد عرصه‌ی سیاسی - اجتماعی نیز موظف است که مصالح مفاسد واقعی و نه خودساخته، توجه نماید.

تفسیر و برداشت نادرست از این شاخص، موجب اعمال سلیقه‌ای برخی معیارها و در نتیجه، تشخیص خطای مصلحت می‌شود. در این موارد، به جای تشخیص صحیح مصلحت و بسیج همه امکانات برای نیل به آن، مصلحت و مصلحت‌سنجی تبدیل به وسیله‌ای برای دست‌یابی به اهداف نفسانی خواهد شد.

کسانی که معتقدند: هدف وسیله را توجیه می‌کند، صرف نظر از اینکه اهداف مادی و دنیوی خود را دنبال می‌کنند، این را به صورت یک قاعده کلی تلقی می‌کنند و معتقدند: برای تحقق اهداف فردی یا گروهی و یا سیاسی، می‌توان هر نوع کار ضد اخلاقی را مرتکب شد. اما در اسلام چنین قاعده کلی‌ای وجود ندارد. در اسلام هیچ فعل، حرکت یا سکونی نیست که براساس مصلحت و مفسده واقعی موجود در آن، حکمی نداشته باشد. البته، گاهی بین مصلحت یک حکم با مصلحت حکمی دیگر، تزاخم به وجود می‌آید که انجام دادن یکی مستلزم بازماندن از انجام دیگری است و یا ترک یکی از آن دو، مقدمه انجام دیگری خواهد بود. در این صورت، اگر یکی از آن دو، مهم‌تر از دیگری باشد و تزاخم بین اهم و مهم باشد، نباید اهم را فدای مهم کنیم، بلکه به حکم عقل و شرع، باید مهم فدای اهم شود؛ زیرا حکم اهم، مصالح بیش‌تری در بردارد و تقدیم اهم بر مهم، یک حکم بدیهی عقلی است. این در صورتی است که یا به حکم قطعی عقل و یا به وسیله نص و حکم شرع، پی به اهمیت بیش‌تر یکی از دو حکم برده باشیم. اما اگر در اینکه کدام یک از این دو مصلحت، اهمیت بیش‌تری دارد، شک داشته باشیم یا راه دیگری برای تحقق هدف مهم‌تر وجود داشته باشد، در این صورت نمی‌توان گفت: هدف، وسیله را توجیه می‌کند و به بهانه آن، مرتکب یک عمل غیر اخلاقی شویم.

بنابراین، دو تفاوت عمده هست بین قاعده «اهم و مهم»، که بر مبنای آن، مهم را فدای اهم می‌کنیم و آنچه به‌عنوان «هدف، وسیله را توجیه می‌کند»، از آن یاد می‌شود: ۱. دایره قاعده اهم و مهم، بسیار محدودتر است و

حکم به توجیه هر وسیله، برای رسیدن به هر هدفی نمی‌کند که از کلیت «هدف» وسیله را توجیه می‌کند» برمی‌آید. ۲. اهدافی که ما در اینجا در نظر داریم، منحصر در اهداف مادی نیستند و نوعاً اهدافی الهی و معنوی هستند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۳۴۸-۳۴۹).

یکی از نمونه‌های کاربرد شاخص مصلحت‌سنجی، در تزاخم اصل «اخلاق‌محوری» با «منافع عمومی» در اخلاق روزنامه‌نگاری، که از جهاتی مرتبط با اخلاق نقد سیاسی - اجتماعی نیز هست، مطرح می‌شود. گاهی ممکن است بیان یک اصل مثل بیان واقعیت و راست‌گویی، ذیل اصل «اخلاق‌مداری»، با اصل دیگری به نام «منافع و مصالح عمومی» و یا «منافع خصوصی» افراد در تزاخم افتد. برای مثال، در زمان جنگ، اگر نقشه عملیات به دست خبرنگار و یا روزنامه‌نگاری افتاد، آیا او حق دارد به بهانه بیان حقیقت، آن را منتشر کند و یا شهادت فرمانده عملیات و یا تعداد شهدا و یا اسراء را از طریق رسانه‌ها پخش نماید؟ همچنین آیا روزنامه و یا خبرنگاری مجاز است، به هر دلیل، با دسترسی به میزان هزینه تبلیغاتی یک نامزد انتخابات ریاست جمهوری و یا نمایندگان مجلس، به صورت جانب‌دارانه، این واقعیت را بیان کند؟ همچنین، آیا روزنامه‌ای می‌تواند تصویر یکی از وزراء و یا نمایندگان مجلس را در حین استراحت که سیگار می‌کشد، یا در حال شیرجه‌زنی در استخر است، منتشر نماید؟! بالاخره اینکه، آیا روزنامه‌ای می‌تواند از دعوی درون خانه یک شهروند عادی، که فرزند خود را تنبیه می‌کند، و یا خودفروشی یک زن، به دلیل فقر فرهنگی و اقتصادی را به بهانه بیان واقعیات اجتماعی به صورت شفاف و مشخص، پخش نماید؟!

به نظر می‌رسد، باید رابطه اصل «راست‌گویی» و «بیان واقعیت» را با برخی از اصول دیگر بررسی کرد تا با اصول دیگری همچون حفظ «حیثیت و آبروی افراد» و حفظ «منافع و مصالح عمومی» و حفظ «حریم خصوصی افراد» در تزاخم نباشد. در اینگونه موارد، در زمان جنگ انتشار نقشه عملیات، تعداد شهدا و یا اسراء، با هیچ منطقی درست نیست. هرچند این‌گونه موارد بیان واقعیات باشد؛ زیرا با اصل دیگری به نام «منافع عمومی» سازگار نیست. اما بیان هزینه تبلیغاتی یک نامزد انتخابات، در زمان انتخابات در صورتی که برای همه نامزدها به صورت یکسان منتشر شود، از باب فرهنگ‌سازی و جلوگیری از اسراف اشکالی ندارد. اما حق «حریم خصوصی افراد»، مانع از پخش زندگی خصوصی افراد در خصوص کشیدن سیگار و یا شنای افراد عادی و یا غیرعادی می‌باشد. بنابراین، بیان واقعیت و حقیقت و راست‌گویی و پای‌بندی به ارزش‌های اخلاقی، در صورتی که توجیه عقلی، شرعی، قانونی و عرفی داشته باشد و برای دفع مفسده، و یا جلوگیری از منکر و یا فرهنگ‌سازی، و امر به معروف و نهی از منکر و ... باشد و نیز در صورتی که مخالف منافع عموم مردم مسلمان و یا حق حریم خصوصی افراد نباشد، اشکالی ندارد (فولادی، ۱۳۹۶، ج ۵، ص ۲۰۶-۲۰۷).

نتیجه‌گیری

- نقد سیاسی - اجتماعی، یکی از ضروریات اصلاح جامعه، و رعایت اخلاق در نقدهای سیاسی - اجتماعی، لازمهٔ تحقق صحیح انتقادات است.

- رعایت اخلاق نقد سیاسی - اجتماعی، متوقف بر شناخت شاخص‌های اخلاقی این عرصه است.

- پرسش اصلی این مقاله، پرسش از شاخص‌های عام نقد سیاسی - اجتماعی بود که با مراجعه به آموزه‌های دینی،

نتایج به‌دست آمده حاکی از این است که شاخص‌های اخلاقی نقد سیاسی اجتماعی عبارتند از: اخلاص،

حق‌محوری، انصاف، خیرخواهی، عدالت‌طلبی، حفظ وفاق و اعتماد اجتماعی، اجتناب از هتک حرمت،

قانون‌گرایی، عدم ملاحظه منافع شخصی، پرهیز از همسویی با دشمنان و مصلحت‌سنجی.

- رعایت شاخص‌های مذکور، موجب تقرّب الهی ناقد، و ایجاد زمینه اصلاح برای نقدشونده و سایر آحاد جامعه و در

نتیجه، تقرّب الهی ایشان خواهد شد.

منابع

- اسلامی، سیدحسین، ۱۳۹۶، «اخلاق مناظره»، *دانش‌نامه اخلاق کاربردی*، تدوین احمدحسین شریفی و همکاران، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۲، *مفاتیح الحیاه*، ج ۱۳۰، قم، اسراء.
- فولادی، محمد، ۱۳۹۶، «اخلاق روزنامه‌نگاری»، *دانش‌نامه اخلاق کاربردی*، ج ۵، تدوین احمدحسین شریفی و همکاران، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- قدیمی، اسماعیل، ۱۳۹۴، «نقد اقتضائات و اخلاق آن»، *نقد کتاب علوم اجتماعی*، شماره ۵ و ۶ ص ۷۳-۸۸.
- متقی، علی بن حسام الدین، ۱۴۰۹ ق، *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*، تصحیح بکری حیانی و صفوه سقا، ج قدیم، بیروت، مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار*، تصحیح جمعی از محققان، ج ۲، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مصباح یزدی محمدتقی، ۱۳۹۲، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، ج ۷، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ، ۱۳۹۴، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، ج ۵، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری مرتضی، بی‌تا، *اسلام و نیازهای زمان در مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، قم، نرم افزار مجموعه آثار استاد شهید مرتضی مطهری، مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.